

Justice and just war from the point of view of Saint Augustine

1- Razmik Deamegardichian

2- Ahmad Azin

3- Mohamad Reza Yazdani Zazerani

Abstract:

War has always existed as a phenomenon in social life and has always been condemned, and the condemnation of war has been part of the political and moral literature of almost all philosophical and political schools, but war in spite of all its disgraceful dimensions under certain circumstances and under certain factors. Not that it is not bad, but it becomes very necessary, by reviewing the history of different societies, it clearly saw the golden leaves of its courage and resistance, which are always considered as a shining part of the political and historical life of the people. The honor and repulsion of the enemy's aggression has always been honored with the approval of reason, wisdom and knowledge, to the extent that in Islam war is considered as a branch of religion, but the question arises whether war is allowed in Christianity. ? Could there be a situation where war is considered permissible? In this article, we try to answer these basic questions. The results of the article show that Augustine, with the fear of the Christian tradition and by combining the views of our thinkers before him, especially Cicero, skillfully fills the gap caused by the idea of non-war and the need for justice by resorting to war in the Christian tradition. Also, in the teachings of Christianity, entering into war under any title is forbidden and Christianity forbids resorting to war in general.

Keywords: Christianity tradition, justice, St. Augustine, just war

1- Ph.D Student of Political Science, Faculty of Humanities and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2- Associate Professor, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3- Assistant Professor, Department of Political Science, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

عدالت و جنگ عادلانه از دیدگاه آگوستین قدیس

تاریخ دریافت: ۱۶/۰۱/۱۴۰۰

رازمیک درمگردیچیان^۱

تاریخ پذیرش: ۲۴/۰۳/۱۴۰۰

احمد آذین^۲محمد رضا یزدانی زازرانی^۳**چکیده**

جنگ همیشه به عنوان یک پدیده در زندگی اجتماعی وجود داشته و همواره هم نكوهیده شده است و تقبیح جنگ جزئی از ادبیات سیاسی و اخلاقی تقریباً تمامی مکاتب فلسفی و سیاسی بوده است اما جنگ علی رغم تمامی ابعاد ناپسند و مذموم خود در شرایطی و تحت عوامل خاصی نه اینکه بد نیست بلکه بسیار ضروری میگردد، با مروری بر تاریخ جوامع مختلف به وضوح شاهد برگ‌های زرینی از رشادت و مقاومت مردم آن بود که همواره به عنوان بخش درخشان حیات سیاسی و تاریخی مردم شمرده میشود و جنگ در مقام دفاع از میهن و عرض و ناموس و دفع تجاوز دشمن همواره مفتخر به تایید و تصدیق عقل و خرد و معرفت گردیده است تا جائیکه در دین اسلام جنگ تحت عنوان جهاد از فروع دین شمرده میشود، لیکن این سوال مطرح میشود که آیا در آموزه های مسیحیت جنگ مجاز و مشروع شناخته میشود؟ آیا ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که جنگ مجاز تلقی گردد؟ در این مقاله سعی در پاسخ به این سوالات اساسی داریم. نتایج مقاله حاکی است آگوستین با تاسی از سنت مسیحیت و با تلفیق دیدگاه‌های اندیشمندان ما قبل خود بویژه سیسرو به طور ماهرانه ای در جهت پر کردن خلاء ناشی از تفکر منع جنگ و ضرورت برقراری عدالت با توسل به جنگ در سنت مسیحیت میپردازد. همچنین، در آموزه های مسیحیت، ورود به جنگ تحت هر عنوان ممنوع گردیده است و مسیحیت توسل به جنگ را به طور کلی منع مینماید.

واژگان کلیدی: سنت مسیحیت، عدالت، آگوستین قدیس، جنگ عادلانه

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده

مسئول) azin@iaush.ac.ir

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

ظهور مسیحیت به عنوان یک دین جهانی در خاورمیانه به سرعت در اروپا گسترش یافت تا جایی که در قلب این قاره و مرکز امپراطوری روم پیش رفت که در ظاهر و از دیدگاه کمال گرایانه قابل تحسین و تمجید مینماید اما با تدقیق در زندگی اجتماعی انسان متوجه خلاء جنگ در این دیدگاه میشویم و اساساً این سوال ذهن انسان را به خود مشغول می نماید که آیا در مکتب مسیحیت و آموزه های سنت آن توسل به جنگ چه وضعیتی دارد ؟ آیا در مقام دفاع از دین و یا کشور میتوان متوسل به جنگ گردید ؟ آیا شرع مسیحیت این نوع جنگ را مشروع میشمارد ؟ البته مسیحیت تا قبل از رسمیت یافتن به عنوان دین رسمی امپراطوری روم در ابتدای قرن چهارم میلادی چنین خلاء ای را حس نمیکرد اما به محض رسمیت یافتن آن در زمان امپراطور کنستانتین در سال ۳۱۳ میلادی ضرورت جنگ به عنوان یک راهکار دفاع از وطن و مقابله با دشمنان خود را نمایان میکند و تعارضی بوجود می آید که از یک طرف و حسب سنت و آموزه های دین نوین مسیحیت جنگ و مخاصمه تحت هر عنوان را ممنوع اعلام میکند اما از طرف دیگر و از نقطه نظر سیاسی جنگ یک ضرورت تلقی میگردد و لذا این تعارض که بیش از نیم قرن بصورت لانه باقی مانده بود توسط آگوستین قدیس به طرح نظریه جنگ عدلانه در قرن ۵ میلادی منتفی و با تعدیل نظرات قبلی اقدام به ارائه دکترین جدیدی در حوزه مسیحیت در خصوص جنگ میگردد. علی رغم گذشت ۳۰۰ سال از ظهور دین مسیحیت کشورهای اروپایی شدیداً با پیروان آن مخالفت نمود و از گسترش آن جلوگیری می نمود و کسانی را که اقرار به مسیحی بودن می نمودند شدیداً مجازات می نمودند به طوریکه در این دوره مسیحیان به طور مخفی اقدام به دینداری و انجام مراسم مذهبی می نمودند و داشتن هرگونه نشان یا وسیله از جمله صلیب یا کتاب مقدس مجازات سنگینی به همراه داشت. البته در خصوص دلایل مخالفت حاکمان و پادشاهان اروپایی از گسترش صحت به درستی و بیان نشده است اما آنان از حوزه ای مسیحیت خبر برابری انسان ها و مخالفت با سلطه بر مردم و برخورداری یکسان همه انسان ها از پادشاه گرفته تا بردگان نزد خداوند و نیز تعصب شدید به مذهب که در آن دوره رواج داشت را می توان از عدم عوامل و دلایل مخالفت اروپاییان با توسعه این دین نوظهور دانست.

مسئله اصلی تحقیق اینگونه بیان میشود : آیا در آموزه های مسیحیت جنگ مجاز و مشروع شناخته میشود ؟ آیا ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که جنگ مجاز تلقی گردد ؟

در این مقاله سعی میشود از روش تحلیلی و توصیفی به نظریات تبیین شده در خصوص عدالت و جنگ عادلانه به مثابه یک رهیافت برای اندیشه های فلسفی مسیحیت به عنوان یک موضوع بسیار حیاتی و مهم در عرصه فلسفه و سیاست و با تکیه بر اندیشه های آگوستین و سایر اندیشمندان پرداخته شود و به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده شود و فرضیه تحقیق با روش کتابخانه ای، تحلیل و توصیفی، آزمون شده و با ذکر ادله کافی تأیید یا رد شود.

۲- چارچوب نظری : ظهور مسیحیت و منع جنگ

با بررسی و تدقیق در کتاب مقدس در هیچ کجای آن به جنگ کردن و تجویز جنگ تحت هر عنوان برنمی خوریم و برعکس هر نوع مخاصمه منع گردیده است به طوری که در موعظه مسیح بر سر کوه زیتون خطاب

به حواریون و مردم که در اناجیل متی و لوقا به آن اشاره شده است. که توصیه به صلح و محبت و بخشش اشتباهات، عناصر کلیدی آن است که از آن به عنوان دکترین ضد خشونت مسیحیت یاد نموده که به دنبال حفظ پاسیفیسم است البته برخی نویسندگان از جمله سام هریس نظر مخالف دارد، وی در کتاب خود می نویسد: ایمان به دو طریق موجب خشونت می شود نخست برخی مردم انسان های دیگر را می کشتند زیرا گمان می کنند خالق جهان از آنان می خواهد چنین کنند و دوم این که بسیاری از مردم باهم به مشکل برخوردند چون اختلافات جمعی خود را بر اساس تعلقات مذهبی خود تعریف می کنند (هریس، ۲۰۰۶، ص ۸۰-۸۱).

این موضوع شاید در ظاهر امر و نگاه ایدالیستی و کمال گرایانه بسیار زیبا و در خور تحسین باشد اما در عمل و در جهان واقعی که انسان ها در آن زندگی می کنند جنگ و تنازع یک اصل مهم به شمار می رود که قابل اجتناب نیست به طوری که بخش عمده زندگی اجتماعی انسان ها همراه با جنگ و مبارزه و پیکار بوده است در این تفکر مبنی بر هر نوع جنگ و مبارزه با شرایط موجود به هیچ وجه مطابقت نداشته و ندارد و در حالی که دینی چون اسلام جهاد را به عنوان جنگ در راه خدا به رسمیت می شناسد و به درستی با شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی انسان ها مطابقت می نماید منع جنگ در فلسفه سیاسی مسیحیت حداقل در شرایط واقعی و تا زمان تشکیل حکومت الهی و پادشاهی آسمانی و وعده داده شده یک نقیصه به شمار می آید اگرچه امروزه مکاتب سیاسی و سازمان های بین المللی همگی توسل به جنگ را منع می نمایند اما وقتی با عینک واقعیت به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جوامع انسانی نگریسته می شود و نیز با دقت نظر در گذشته بیشتر حکایت از وقوع جنگ های طولانی و بیشمار دارد به طوری که برخی تعداد جنگ های جوامع بشری را بیش از ۱۴۰۰۰ جنگ می دانند.

ادوارد گیون نویسنده کتاب انحطاط و سقوط امپراتوری روم در کتاب خود یکی از عوامل مهم سقوط این امپراتوری عظیم را تعلیمات مسیحیت می داند که به واسطه روحانیون و کشیشان در بین مردم رواج پیدا نموده و هرگونه توسل به خشونت و جنگ را منع می نمود داشته است گیون معتقد است اگرچه جنگ فی نفسه مذموم است اما اگر در دفاع از خود و کشور باشد نه این که ممنوع نیست بلکه واجب نیز می باشد چیزی که در دین اسلام تحت عنوان جهاد در راه خدا به رسمیت شناخته شده است. گیون ترویج سنت و آموزه های ضد جنگ مسیحیت را باعث از بین رفتن روحیه جنگی و توان دفاعی کشور دانسته و روحانیت و تعالیم آنان را مهمترین عمل تضعیف و نهایتاً سقوط امپراتوری روم غربی در قرن پنجم میلادی میدانند.

۲-۱- امپراطور کنستانتین و رسمیت بافتن مسیحیت

در ابتدای قرن چهاردهم میلادی و در زمان حکومت کنستانتین اول بر امپراتوری روم وی با مطالعه کتاب مقدس متوجه گردید که در این کتاب به ظهور یک حکومت آسمانی و پادشاهی جهانی که باعث نجات انسان های مظلوم و ستم دیده می گردد، داده شده است (انجیل مرقس ۱:۱۵ و انجیل متی ۴:۱۷).

کنستانتین که آدم زیرک و باهوش بود به این فکر افتاد که به جای مبارزه با مسیحیت و با کمک روحانیون مسیحی که تا آن زمان به صورت مخفیانه و در خفا بر ترویج مسیحیت می پرداختند و شعائر مذهبی را انجام می داد

کنستانتین با نصب صلیب بر روی پرچم هایش توانست حمایت مسیحیان را بدست آورد و شهر رم را فتح نماید و در سال ۳۱۳ میلادی اعلامیه مبنی بر آزادی مذهب صادر کرد که در آن تصریح شده بود، مسیحیان حق دارند امور دینی خود را اجرا و تبلیغ نمایند و بدین ترتیب بر نصف اروپا سلطه پیدا نماید. بدین ترتیب دوره جدیدی از مسیحیت آغاز شد. (میلر، ۱۳۹۲، ص ۲۳۳-۲۳۲). بدین سان وی دین مسیحیت را علنی نمود و اصرار به تبلیغ و گسترش آن نماید و در عوض به کمک روحانیون مسیحی به مردم القا نمایند که آن پادشاهی آسمانی که در کتاب مقدس وعده داده شده است همین پادشاهی کنستانتین است که ابتدا با مخالفت روحانیون مسیحی مواجه گردید اما سیاست های تنبیهی و تشویقی کنستانتین و نیز وعده مشارکت در قدرت و مالکیت امپراطوری باعث شد اکثریت روحانیت آن را پذیرفته و در این راستا قدم بردارند و برخی روحانیون با این تفسیر که تاریخ از نیت و قصد کنستانتین این اقدام یعنی تبلیغ مسیحیت و آزاد شدن دنیا و ازای بشارت حکومت آسمانی کنستانتین می تواند اولاً مخالفت با مسیحیت را از بین ببرد و ثانیاً باعث بسط و گسترش این دین در حوزه امپراطوری روم گردد که در آن زمان عملاً کل قاره اروپا احاطه و سلطه داشت گردد و ثالثاً در بلند مدت و پس از مرگ کنستانتین تصورات و تمایلات وی نیز از بین می رود و آنچه می ماند یک دین گسترش یافته در کل قاره اروپا خواهد بود که متولیان اصلی آن خود روحانیت خواهد بود که بعدها معلوم شد که از قضا این پیش بینی و تصور بسیار درست بوده است. روند قدرت گیری کلیسا چنان بود که در قرون وسطی شاهد برتری قدرت کلیسا بر دولت می باشیم (کاپلستون، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴).

رسمیت یافتن دین مسیحیت پس روحانیت با کمک حاکمیت اقدام به تبلیغ دین مسیحیت در کل حیطه حکومتی امپراطوری روم نمودند و اگر تا قبل از آن مسیحی بودن و اعتقاد به مسیحیت مجازات داشت از آن به بعد عدم اعتقاد به این دین و پایبند بودن به آئین میتراپسم موجب محکومیت و مجازات بود.

بدین ترتیب دینی که به مدت ۳۰۰ سال ممنوع بود به یکباره شهرتی جهانی پیدا نمود و سرتاسر اروپا را فرا گرفت و در سال ۳۱۳ میلادی دین مسیحیت به طور رسمی دین امپراطوری روم گردید لازم به توضیح است که ارمنستان در سال ۳۰۱ میلادی و در زمان حکومت تیرداد مسیحیت را به عنوان دین رسمی کشور پذیرفته بود. در ابتدای کار روحانیت تحت سلطه و به عنوان کارگزار پادشاه فعالیت می کردند و در عوض از معافیت ها و مزایای سیاسی برخوردار بودن و البته هدف اصلی روحانیون این دوره تبلیغ دین و کمک به توسعه آن و حمایت از مظلومان و ستم دیدگان بود. توسعه عدالت و برخورداری از حقوق یکسان عمده هدف و شعار روحانیت در این دوره بود که موجبات خرسندی مردم عامی می گردید روحانیان در کنار مردم عادی و بیشتر به دنیال زندگی معنوی و ذخیره آخرت خود فعالیت می کردند و این باعث شد بسیاری از پیروان آئین میتراپسم نیز جذب مسیحیت شوند اما به مرور و با گذشت زمان حسب قدرت و ثروت باعث روی آوردن روحانیت به زندگی مادی و تجملات و دور شدن از مردم و معنویت و مشارکت در قدرت سیاسی و حاکمیتی گردید. در این زمان روحانیت بیش از این که عصای دست مردم مظلوم باشد قدرت امپراطور بودن.

به هر حال هر آنچه بود نتیجه آن گسترش دین مسیحیت به طور سریع در منطقه و جغرافیای سیاسی اروپا بود که حوزه های مسیحیت در سرتاسر اروپا رواج یافت که در عمل به نفع مردم عادی و برخورداری آنان از

پیامدهای آن بود به عنوان مثال برابری و عدالت، برخورداری از حقوق یکسان، حق تعطیل در زمان کار و ... از جمله مواردی بود که موجبات رضایت مردم را فراهم می کرد.

۲-۲- زندگی نامه آگوستین قدیس

اندشمندان چهار تن را مجتهد کلیسای غرب می دانند: امبروز قدیس، یروم قدیس، آگوستین قدیس و پاپ گرگوار کبیر، از این چهار تن، سه تن با یکدیگر همزمان بودند و گرگوار کبیر متاخر بر آنهاست (راسل، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲)

آنورلیوس آگوستین ملقب به آگوستین قدیس در سال ۳۵۴ میلادی در کشور امروزی الجزایر واقع در شمال قاره افریقا از مادری مسیحی به دنیا آمد (رنان ۱۳۹۴ ۳۴۲) آگوستین را می توان یکی از بزرگترین و مشهورترین اندیشمندان حوزه فلسفه مسیحیت دانست که تاثیر غیرقابل انکاری در شکل گیری فرهنگ و سنت مسیحیت به ویژه در اروپای غربی داشته است. ایده های وی در حوزه های مختلف از قبیل معرفت شناسی، هستی شناسی، مفهوم و ماهیت خدا، رابطه بین ایمان و عقل و گناه بسیار مشهور است.

آگوستین قدیس را می توان یکی از بزرگترین و مشهورترین اندیشمندان حوزه فلسفه مسیحیت دانست که تاثیر غیرقابل انکاری در شکل گیری فرهنگ و سنت مسیحیت به ویژه در اروپای غربی داشته است.

آگوستین قدیس طبق سیاست های کنستانتین امپراطور و سنت مسیحیت به وقوع پیوسته بود ابتدا به مکاتبی چون مانوی و شکاکيون پیوست ولی وقتی به شهر میلان رفت به مسیحیت گرایش پیدا کرد و در سال ۳۸۶ رسماً مسیحی شد و در سال ۳۹۱ به کسوت روحانیت در آمد و کشیش شد و به دلیل تعصب و اعتقاد شدید خود به مسیحیت به تمام اسخوفین رسید.

آشنایی آگوستین با مسیحیت و آموزه های آن باعث شد تا به صورت عمیق به مطالعه و تحقیق در آن بپردازد که ماحصل کتاب های مهمی چون شهر خدا و اعترافات است آگوستین به درستی دریافت که فلسفه ضد خشونت و جنگ در دین مسیحیت در عمل و در حیطه سیاست اجرایی با واقعیت روزگار خود سازگار نیست لذا نظریه جنگ عادلانه را مطرح کرد.

تولد وی دقیقاً همزمان است با رواج مسیحیت که طبق سیاست های کنستانتین امپراطور وقت روم و سنت مسیحیت به وقوع میبویند، آگوستین ابتدا به مکاتبی چون مانوی و شکاکيون پیوست ولی وقتی به شهر میلان رفت به مسیحیت گرایش پیدا کرد و در سال ۳۸۶ رسماً مسیحی شد و در سال ۳۹۱ به کسوت روحانیت در آمد و کشیش شد و به دلیل تعصب و اعتقاد شدید خود به مسیحیت به مقام اسقفی رسید.

آشنایی آگوستین با مسیحیت و آموزه های آن باعث شد تا به صورت عمیق به مطالعه و تحقیق در آن بپردازد که ماحصل کتاب های مهمی چون شهر خدا و اعترافات است آگوستین به درستی دریافت که فلسفه ضد خشونت و جنگ در دین مسیحیت در عمل و در حیطه سیاست اجرایی با واقعیت روزگار خود سازگار نیست لذا نظریه جنگ عادلانه را مطرح کرد.

در واقع آگوستین اولین اندیشمند و روحانی مسیحی می باشد که جنگ را طبق شرایطی مشروع می داند از جمله شروطی که آگوستین در توجیه نظریه خود برمی شمارد این است که اولاً جنگ در جهت تحقق عدالت و برخوردار از مشروعیت الهی باشد ثانیاً اخلاق به عنوان یک فضیلت از اهداف دینی جنگ باشد ثالثاً عدالت

به عنوان هدف نهایی از توسل به جنگ باشد رابعا قوانین که منافع مشترک و اکثریت جامع را تضمین می کند نیز رعایت گردد .

آگوستین نقطه استصال تفکر یونان باستان و روم قدیم با تفکر سده های میانی است . او میراث بزرگ اندیشه ای را که در یونان باستان رشد کرده بود را در مسیر تحولات تازه ای قرار می داد (پولادی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۱۴).

با امعان نظر به اندیشه ها آگوستین می توان دریافت که برای اولین بار بود وی تعریف جدیدی از عدالت را مطرح می کند به طوری که جنگ به عنوان یک عنصر مادی و زمینی در جهت تحقق عدالت به عنوان یک پدیده معنوی و آسمانی به کار می رود این تفکر و نظریه آگوستین زیر بنای جنگ های مقدس بعدی گردید که به ویژه در قرون وسطی شاهد آن ها هستیم.

در زمان آگوستین تضادی بین کلیسا و امپراطوری وجود داشت چرا که دولت ضعیف و بی کفایت و در دست مردمان خودبین و هرزه بود ولی کلیسا قوی و قادر بود و به دست مردمانی هدایت می شد که حاضر بودند همه چیز خود را فدای آن کنند . (راسل ، ۱۳۸۸ ، ص ۲۶۲).

۳- روش تحقیق :

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و تنها تحقیقی است که تاکنون در زمینه جنگ از نگاه مسیحیت و آگوستین قدیس انجام شده و با روش تهیه فیش و کتابخانه ای و استفاده از منابع دست اول انگلیسی و خارجی، به نتیجه گیری و تحلیل پرداخته است. همچنین فرضیه تحقیق عبارتست از : در آموزه های مسیحیت، ورود به جنگ تحت هر عنوان ممنوع گردیده است و مسیحیت توسل به جنگ را به طور کلی منع مینماید.

۴- یافته ها : دیدگاه آگوستین قدیس و سیرو

۴-۱ - مارکوس تولیوس سیرو (۴۳-۱۰۶ ق . م) فیلسوف و سیاست مدار شهر رومی.

باید توجه داشت که نظریه جنگ مشروع قبل از آگوستین هم مطرح می باشد به طوری که در جمهوری روم و دوران سیرو جنگ به دو نوع مشروع و نامشروع تقسیم می گردید.

سیرون معتقد است که قانون دولت یا قانون کشوری باید بازتاب قانون طبیعی باشد و قوانین کشوری از لحاظ اخلاقی باید با قوانین طبیعی هماهنگ باشد و اگر قوانین مطابق قانون طبیعی نباشد شهروندان مکلف به رعایت آن نیستند . (پولادی ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۰۸)

لیکن نظریه جنگ مشروع برای اولین بار توسط آگوستین رنگ و بوی دینی به خود گرفت و بعدا توسط توماس آکوئیناس تبیین و گسترش یافت.

بر این اساس بسیاری از اندیشمندان معتقد هستند که نظریه جنگ عادلانه مطرح شده توسط آگوستین نسخه ای جدید و تعدیل شده از نظریه جنگ مشروع می باشد که توسط سیرو تعیین شده است و این تصور زمانی

قوت می گیرد که بدانیم آگوستین شناخت کاملی از سیسرو در کتاب اعترافات خود به تاثیر پذیری عمیق از اندیشه های سیسرو و فلسفه کلامی وی اشاره می نماید:

با اثری از نویسنده به نام سیرو آشنا گردیدم مکتب نگارش فیلسوف معروف ایتالیایی او را اگر نگوییم روح نوشته هایش تقریباً مورد تحسین همگان است. نام این کتاب هورتنسیوس بود که این کتاب نگرش آگوستین به زندگی متحول کند (آگوستین ، ۱۳۷۸ ، ص ۹۸)

کتاب هورتنسیوس سیسرو باعث شد که تا آگوستین به دین مسیحیت روی آورد و به عنوان یک مسیحی متعصب جلوه کند علاوه بر آن آگوستین با مطالعه کتاب جمهور سیسرو دچار تحول عظیم در اندیشه سیاسی گردید همانگونه که مطالعه کتاب هورتنسیوس باعث تحول مذهبی او شده بود تا حدی که کتاب شهر خدا تحت تاثیر از کتاب جمهور سیسرو به رشته تحریر در آورد.

باید گفت که تمامی مبادی و نظریات تئولوژیک که سنت آگوستین وضع و مقرر کرد مورد قبول کلیسای کاتولیک شد و در قرون وسطی و اعصار اتمی تاثیر نمود و در عصر اصلاح مذهبی تحت عنوان پروتستانیسم دوباره از نور و رواج و رونق یافت (ناس ، ۱۳۵۴ ، ص ۴۳۳).

۲-۴- آگوستین قدیس و دیدگاه او در خصوص عدالت و جنگ عادلانه

آگوستین قدیس را می توان یکی از بزرگترین و مشهورترین اندیشمندان حوزه فلسفه مسیحیت دانست که تاثیر غیرقابل انکاری در شکل گیری فرهنگ و سنت مسیحیت به ویژه در اروپای غربی داشته است.

آگوستین قدیس در سال ۳۵۴ میلادی یعنی دقیقاً در زمان رواج مسیحیت که طبق سیاست های کنستانتین امپراطور و سنت مسیحیت به وقوع پیوسته بود در شمال آفریقا در الجزایر اکروزی به دنیا آمد آگوستین ابتدا به مکاتبی چون مانوی و شکاکيون پیوست ولی وقتی به شهر میلان رفت به مسیحیت گرایش پیدا کرد و در سال ۳۸۶ رسماً مسیحی شد و در سال ۳۹۱ به کسوت روحانیت در آمد و کشیش شد و به دلیل تعصب و اعتقاد شدید خود به مسیحیت به تمام اسخوفین رسید.

آشنایی آگوستین با مسیحیت و آموزه های آن باعث شد تا به صورت عمیق به مطالعه و تحقیق در آن بپردازد که ماحصل کتاب های مهمی چون شهر خدا و اعترافات است آگوستین به درستی دریافت که فلسفه ضد خشونت و جنگ در دین مسیحیت در عمل و در حیطه سیاست اجرایی با واقعیت روزگار خود سازگار نیست لذا نظریه جنگ عادلانه را مطرح کرد.

در واقع آگوستینی اولین اندیشمند و روحانی مسیحی می باشد که جنگ را طبق شرایطی مشروع می داند از جمله شروطی که آگوستین در توجیه نظریه خود برمی شمارد این است که اولاً جنگ در جهت تحقق عدالت و برخوردار از مشروعیت الهی باشد ثانیاً اخلاق به عنوان یک فضیلت از اهداف دینی جنگ باشد ثالثاً عدالت به عنوان هدف نهایی از توسل به جنگ باشد رابعاً قوانین که منافع مشترک و اکثریت جامع را تضمین می کند نیز رعایت گردد.

آگوستین هر چند در ابتدا مخالف بکارگیری زور بود اما بلاخره به این نتیجه رسید که باید انرا به کار گرفت ، در واقع قدرت را واکنشی ضروری در برابر خشونت و بی رحمی شدید و نیز به عنوان ابزار تربیتی مناسب

میدانست ، آگوستینی در توجیه بکارگیری زور به عهد عتیق استناد میکند و حتی به انجیل لوقا که می گوید: "به اصرار مردم را به ضیافت من بیاور " (انجیل لوقا ۱۴:۲۳). برخی این توجیه آگوستین در بکارگیری زور را غیر مرتبط و نا بجا میدانند (لین ، ۲۰۱۰ ، ص ۶۹).

همانگونه که اشاره شد مهمترین اثر آگوستین بدون تردید کتاب اثر خدا می باشد که بیانگر عقاید فلسفی و کلامی وی می باشد که تحت تاثیر کتاب جمهور سیرون نوشته شده است.

در واقع کتاب شهر خدا آگوستین را می توان در واقع این کتاب را میتوان راهنما و دستورالعملی برای قرون وسطی میبشد. (لین ، ۲۰۱۰ ، ص ۷۴)، مباحث مطرح شده در آن سنگبنای تفکرات و اندیشه های سیاسی فلسفی جامعه غرب دانست که در واقع آگوستین در این کتاب به تعارض موجود بین زندگی آسمانی و زندگی زمینی انسان می پردازد لازم به ذکر است که از دیدگاه سنت مسیحیت انسان از زمان هبوط و رانده شدن از بهشت وبه گناه آلوده شد و مسیح نیز برای پاک کردن این گناه مبعوث گردید. پس از دیدگاه آگوستینی انسان موجودی می باشد که آلوده به گناه است و هدف اصلی در زندگی ایشان رهایی از این گناه از طریق فضیلت و ایمان به خداوند به عنوان تنها راه سعادت است و عدالت از نظر آگوستین زمانی تحقق پیدا می کند که به همراه فضیلت اخلاقی و به واسطه ایمان بر خدا باشد.

از زمان هبوط آدم دنیا به دو شهر تقسیم شده است . یکی شهر خدا که الی الابد در پناه خدا حکومت خواهد کرد دیگری زمین که به دست شیطان و هابیل متعلق به شهر خداست (راسل ، ۱۳۸ ، ص ۲۸۱).

آگوستین کتاب شهر خدا را در ۲۲ باب بر نگارش در آورده است. در ابتدا آگوستین سعی دارد انسان ها را قانع نماید که از راه بت پرستی نمی توان به سعادت رسید و منجر به آخرت الهی نمی شود. در ادامه آگوستین به تبیین شرایط سیاسی و اوضاع و احوال امپراطوری روم می پردازد و در پایان نیز مسیحیت را به عنوان راهی معرفی می نماید که از آن طریق می توان به آخرت و شهر خدا راه یافت اما نکته جالب در اندیشه های آگوستین در این است که وی تا قبل از راه یافتن بر شهر خدا انسان محکوم بر زندگی در شهر زمینی است و اگرچه این شهر آرمانی نیست و بسیاری از قوانین آن الهی نیست اما پیروی و پایبند بودن به قوانین شهر زمینی را تجویز می نماید.

با ژرف اندیشی در اندیشه ها آگوستین می توان دریافت که برای اولین بار بود وی تعریف جدیدی از عدالت را مطرح می کند به طوری که جنگ به عنوان یک عنصر مادی و زمینی در جهت تحقق عدالت به عنوان یک پدیده معنوی و آسمانی به کار می رود این تفکر و نظریه آگوستین زیر بنای جنگ های مقدس بعدی گردید که به ویژه در قرون وسطی شاهد آن ها هستیم.

اندیشه های آگوستین در این کتاب دلالت بر توجه وی به علم فلسفه است که تا آن زمان در حوزه روحانیت مورد قبول نبود و در اصل می توان ریشه های عقل گرایی را به عنوان یک بدعت در فلسفه آگوستین شاهد نمود تا آنجا که آگوستین با ب یازده کتاب خود جمله «می اندیشم پس هستم» را بیان می دارد، جمله ای که بساری آن را منتصب به رنه دکارت فیلسوف قرن ۱۷ میلادی می دانند.

آگوستین عقیده دارد اگرچه انسان مخلوق و تابع امر خداوند است اما دارای اراده و اختیار انتخاب است و در جهان مادی او مشکلات و موانعی و نیز فرصت هایی وجود دارد و در بین یک خیر و شر قرار دارد و همیشه در حال جستجو میباشد که در این مسیر وسوسه همراه اوست (بونت ، ۲۰۱۶ ، ۶۱).

آگوستین عدالت واقعی نزد انسان را از فرموده کتاب مقدس الهام میگیرد که میفرماید: خداوند خدای خود را با تمامی دل... محبت نما و همسایه ات را همچون خویش محبت کن (انجیل لوقا ۱۰، ۲۷) و یا در جای دیگر میفرماید: پس با مردم همانگونه رفتار کنید که می خواهید با شما رفتار کنند (انجیل متی ۱۲ ، ۷) ، آنچه در مضموم این جملات نهفته است انجام اعمال خوب نسبت به دیگران بدون در نظر داشتن منفعت طلبی شخصی است و توصیه به عشق به خداوند و عشق به ممنوع است و این همان کلید طلایی تشکیل شهر خدا میباشد که آگوستین به دنبال آن است شهری که در آن خبری از شر و بی عدالتی نیست . آگوستین فقدان عدالت را موجب فقدان حق میدانند و میگویند اگر در جایی عدالت وجود نداشته باشد حقی هم وجود نخواهد داشت و مطمئناً هیچ جمهوری بدون عدالت بوجود نمی آید ، عدالت اگر حذف شود حکومت چیزی جز یک گروه تبهکار نخواهد بود که متشکل از افرادی شرور میگردد که هدف آنها صرفاً تصرف شهرها و سلطه بر مردم است.

حکومت اگر عادل نباشد همانند گروه راهزنان هستند که رئیس و عهد و پیمانی برای تقسیم غنایم دارند . از دیدگاه آگوستین عدالت زمانی واقع می شود که حق هر کس به او داده شود و چون این کار صرفاً در توان خداوند است لذا نمی توان مدعی عدالت گردید (اسپکتور ، ۱۳۸۲ ، ص ۵۶)

درک عدالت از جهت عشق به خدا موجب کاهش خصومت میان انسانها میگردد و انسانها نباید از عشق به خداوند غافل شوند.

کریستین جانسون بر این باور است که از طریق آشنایی با زندگی و اندیشه های آگوستین قدیس میتوان به خردگرایی و عقل گرایی در مورد عدالت و بی عدالتی پی برد به نحوی که حتی در زندگی امروزی نیز آثار و عقاید آگوستین میتواند راهنمای ما در درک درستی از موضوع عدالت باشد (جانسون ، ۲۰۱۵ ، ۴۱۰).

آگوستین انسان را ذاتاً موجودی سیاسی نمیداند لیکن و به ناچار در جهت وجود زندگی اجتماعی بوجود آمده در شهر زمینی ناشی از هیوط ادم و در راستای حفظ نظم و امنیت این جامعه لاجرم مبنایست حکومت زمینی تاسیس و تشکیل و از این حکومت تبعیت کند و بواسطه آن ناگزیر به مشارکت در امور سیاسی و حکومتی و ساختار جامعه مدنی می باشد .

بدون عشق به خداوند و مشمول رحمت الهی قرار گرفتن نمیتوان رستگار شد و تشکیل جامعه مدنی و وجود حکومت انسان را از مسوولتهای فردی مبرا نمیکند و چون در این مسیر از عقل خود به عنوان یک موجود خردگرا استفاده میکنند و از طرفی عقل مصون از خطا نیست لذا انسان صرفاً از طریق عشق به خداوند و وحی و پیروی از سنت دینی به درک و فهم حقایق راه پیدا میکنند.

آگوستین عدالت را مطابق نظم می داند که هر جامعه ای نظم خود را دارد خانواده بعنوان کوچکترین جمعی که فرد بدان تعلق دارد از نظم برخوردار است و در سلسله مراتب جوامع هستی فرد از نظم خانواده و خانواده از نظم دولت و دولت از نظام الهی باید پیروی کند تا عادل شمرده شود و چنانچه دولت از نظام الهی تبعیت

کند عادل به شمار می‌رود در غیر اینصورت ناعادل است، وی اطاعت از دولت نا عادل را بی عدالتی می‌داند (فولادی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۱).

در سنت مسیحیت میان حرف و عمل به هخوانی توصیه شده است و پیام زمانی ارزش دارد که با عمل همراه باشد و حرف و پیام نیز زمانی نیکو خواهد بود که همسو با عمل انسان باشد و مطابقت حرف و عمل در کتاب مقدس هم به تناوب تأکید گردیده است (دالمان ۲۰۱۹، ۷) و به همین دلیل مسیح (ع) پس از ابلاغ پیام خداوند میفرماید: برو و تو نیز چنین کن (انجیل لوقا ۳۷-۲۵، ۱۰) و اگوستین قدیس نیز وجود حکومت را برای برقراری صلح بین مردم لازم میدانند اما قواعد و قوانین حکومتی میبایست بر طبق سنت مسیحیت تدوین و اجرا گردد و هر کس که خود را مسیحی میدانند فقط به نام کافی نیست بلکه با عمل و کردارش باید یک مسیحی واقعی باشد که همانا پیروی از دستورات خداوند و مشارکت در عمل صالح است. انسان دیندار فقط در اندیشه منافع خود نیست و با مشارکت در منافع جمعی سعی در کمک به اشخاص نیازمند در جامعه میکند تا از این طریق بتوان به عدالت اجتماعی رسید (کلارک ۲۰۱۳، ۹۱)

همانگونه که اشاره شد اگوستین با الهام از نظرات سیسرو عنصر بنیادین در نظریه جنگ عادلانه را فضیلت میدانند که در باب هشتم کتاب شهر خدا به آن اشاره شده است. اگوستین فضیلت را فقط اصلاح درونی نمیدانند بلکه آن را عامل اصلی تحصیل عدالت در جامعه مدنی میدانند، اگوستین انسان را موجودی مختار که اراده خودش را دارد میشناسد و لذا به منظور جلوگیری از انحراف نیازمند لطف الهی است و در صورتیکه انسان برده شهوت گردد اراده او رذیلت است و موجب یردگی او میشود (عالم ۱۳۷۶، ۲۲۵).

از نظر اگوستین عدالت ترکیبی از روح و بدن است، چنانچه روح بر بدن مسط باشد و روح نیز تعلق به خدا داشته باشد و هر دو مورد یعنی روح و بدن در فرمان خداوند باشند اینجا شروع عدالت خواهد بود (گلرا ۲۰۱۹، ۹۲)

خداوند با ما روح داده است که "روح عشق" نامیده میشود تا زندگی ما نتاثر از روح باشد چنانچه کتاب مقدس میفرماید: اما ثمره روح محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشنداری است (نامه به غلاطیان ۲۲، ۵).

نکته مهم در بحث آگوستین قدیس درباره عدالت و صلح است که او صلح را همچون عدالت صرفاً در سطح دولتی نمی‌داند بلکه آن را یک موضوع جهانی میدانند، لذا میتوان اگوستین را اولین فیلسوف و اندیشمند دانست که اندیشه صلح جهانی را که به یک نظام جهانی بستگی دارد، مطرح میکند. (فاستر، ۱۳۵۸، ج ۱: ص ۳۷۴-۳۷۵)

۵- جمع بندی و نتیجه گیری:

در مجموع آنچه از اندیشه‌های فلسفی و کلامی اگوستین میتواند استنباط کرد ضرورت جنگ به عنوان آخرین وسیله در جهت تحقق صلح و عدالت است و هرچقدر هم جنگ اثار مخرب و منفی داشته باشد نمیتوان از آن چشم پوشی کرد و تا رسیدن به مدینه فاضله و تحقق ارمان جهانی صلح راه درازی در پیش است و تصور دنیای بدون جنگ و مخاصمه هوز در حد یک اندیشه کمال گرایانه باقی می‌ماند و اگوستین با درک درست

این وضعیت نظریه جنگ عادلانه را برای برون رفت از بن بست ناشی از آموزه‌های سنت مسیحیت بنا می‌گذارد که البته از دید ایشان جنگ با رعایت اصول آن و صرفاً در راستای ایجاد صلح و احقاق عدالت معنی و مفهوم پیدا می‌نماید و به عنوان یک رهیافت خود را نشان می‌دهید در غیر این صورت جنگ گناه محسوب می‌شود، علی‌رغم این و با تمام تفاسیر آگوستین بر این اندیشه خود وفادار می‌ماند که تحقق عدالت حقیقی حتی با وجود جوامع مدنی و برخورداری از حکومت‌های جمهوری و مشارکت مردم در امور سیاسی و وقوف به مسولیت‌های فردی و اجتماعی انسان و بکارگیری عقل و خرد و مد نظر قرار دادن منافع اشتراکی، دستیابی به عدالت واقعی صرفاً از طریق توسل به آموزه‌های دینی بواسطه وحی اسمانی و ورود به شهر خدا میسر خواهد بود و برای اینکه نیز نیازمند ایمان و عشق به خداوند است و در فقدان آن موجبات رستگاری و سعادت فراهم نخواهد شد.

منابع

منابع فارسی:

۱- کتاب مقدس

- ۲- اسپکتور، سلین (۱۳۸۲) قدرت و حاکمیت در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس قادری، تهران: نشر نی
- ۳- آگوستین (۱۳۸۲) اغترافات، ترجمه افسانه نجاتی، تهران: پیام امروز.
- ۴- برتراند، راسل (۱۳۸۸) تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران: نشر الکترونیکی.
- ۵- پولادی، کمال (۱۳۸۲) تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز.
- ۶- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۶) تاریخ فلسفه غرب از دوران آغاز تا پایان سده‌های میانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷- فاستر، مایکل (۱۳۵۸) خداوندان اندیشه‌های سیاسی، ج ۱، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر
- ۸- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۷) تاریخ فلسفه، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران: علمی فرهنگی
- ۹- کونگ، هانس (۱۳۹۰) متفکران بزرگ مسیحی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر دانشکده ادیان و مذهب
- ۱۰- لین (۱۳۹۹) تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران: انتشارات ایلام
- ۱۱- میلر، ویلیام (۱۳۸۲) تاریخ کلیسای قدیم درامپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، تهران: اساطیر
- ۱۲- ناس، جان بایر (۱۳۸۸) تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی

- 1- Augustine , Aurelius (2014) The city of God , translated by the Marcus Dods , printed by Murray and Gibb
- 2- Bonnette , Kathleen (2016) On the heart of justice , la sale university
- 3- Chiba , shin (2019) The political love , friendship and citizenship
- 4- clark , mary (2013) augustine on justice , manhatan ville
- 5- Dahlamann , s.karin (2019) Folkekireke religionsm , haldwselv stift
- 6- Gelera , rebert john (2018) Justice in plato and saint Augustine , liberal arts and education
- 7- Harris , sam (2006) . Letter to a Christian nation , knnopf
- 8- Janson, Kristen deede (2015) The justice game: Augustine disorderd love and the temptation to charge the world
- 9- Strathern , paul (1997) San Augustine en 90 minutos , adult publication